

رویه‌ای کنایه‌آمیز در مورد ایران به آمریکا هشدار می‌دهند. در این میان، او با ما با نام بردن از یک نماینده جدید برای صلح خاورمیانه، یعنی جرج میشل، نشان داده است که در نظر دارد مذاکرات را خارج از این فضای ساکن دنبال کند و راهی برای حل مشکل اسرائیل و فلسطین بیابد. در این میان، مشکل اصلی، بنیامین نتانیاهو است که هر گونه فشاری را از خود دور می‌کند و حتی مطرح کرده که تا آمریکا به مسأله ایران رسیدگی نکند، مشکل فلسطین را حل نخواهد کرد. صد روز دوم فعالیت او با ما در سیاست خارجی وی با نشست‌های کوچک در کاخ سفید و نشست‌های مهم‌تر در خارج از آمریکا پیگیری خواهد شد - ابتدا روسیه در ماه ژوئیه و پس از آن در چین. همه این فعالیت‌ها نشان‌دهنده این است که او با ما به طور آشکاری در حال دور کردن آمریکا از سیاست رؤسای جمهور ماقبل خود، یعنی سیاست «تنبیه و به انزوا کشیدن» می‌باشد. او در پی فهماندن این مطلب است که نشست‌های صریح به منظور بحث بر سر منافع متقابل، بهتر از آن است که سر خود را در برف فرو کند. ■

کارآفرینی: الزامات و راهکارها

از خانه تا بازار



نگاه دکتر محمود احمدپور داریانی، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران و مشاور عالی اقتصادی شهردار تهران

مذکور در این زمینه رتبه ۱۵ را برای کشورمان رقم زده‌اند. در این رابطه نقش زوج‌های کارآفرین نیز موضوعی قابل بحث است. ایالات متحد آمریکا توانسته تا پایان سال ۲۰۰۸ بیش از ۳۰۳ هزار موقعیت شغلی را به واسطه مشارکت

متهم می‌کند و اصرار دارد که کاملاً در جهت منافع پاکستان و حفاظت از زرادخانه هسته‌ای آن حرکت می‌کند. در مورد ایران هم که تاکنون هیچ مسأله رسمی بین دو طرف به وجود نیامده است. پس از ۳۰ سال دشمنی، او با ما وعده شروطی جدید را به ایران داده و دولت و رهبری ایران هم اعلام کرده‌اند که اگر دولت آمریکا واقعاً درصدد تغییر سیاست خود در قبال ایران است، ایران آماده گفت‌وگو است.

به هر حال، زمان نشان دادن حسن نیت‌های بیشتر به پایان رسیده و انتظار می‌رود مذاکرات از راه دور، مستقیم یا غیرمستقیم آغاز گردد. حال گروه‌های گوناگون مخالف و موافق منافع ایران، کارشناسان، تحلیل‌گران و سایر کشورها با توصیه‌های اغلب ستیزه‌جویانه و کج فهمی خود در این عرصه پا می‌گذارند. اما در بسیاری موارد این حقیقت تصریح شده است که هماهنگی استراتژیک مجدد با ایران به نفع آمریکا و ثبات و امنیت منطقه است. ولی دولت جدید اسرائیل تمایل ندارد شاهد چنین پدیده‌ای باشد و خواستار آن است که مردم جهان بدانند که این کشور قصد دارد به تجهیزات هسته‌ای ایران حمله کند! به علاوه، همسایگان عرب اسرائیل هم در تغییر

با توجه به مکانیزم حاکمیت دولت بر اقتصاد و عدم حصول نتایج تولید بر مبنای بهره‌وری، کارایی و رشد، ناچار به حمایت از بخش خصوصی هستیم و این مهم جز با ارتقای مقوله کارآفرینی در کشور اتفاق نخواهد افتاد. در واقع، کارآفرینی به مثابه موتور توسعه بخش خصوصی است و بنا به تجربه بسیاری از کشورهای موفق دنیا، عبور از گزینه‌های ناکارآمد و حرکت در مسیر کارآفرینی و تقویت نقش و جایگاه این مهم در مسیر توسعه اقتصادی، می‌تواند تأثیر بسزایی را بر سایر عوامل اقتصادی بر جای بگذارد.

غفلت از کارآفرینی

متأسفانه مقوله کارآفرینی هرگز به صورت جامع در دستورکار دولت‌ها نبوده است. علیرغم آن که در برنامه چشم‌انداز و سیاست‌های برنامه چهارم توسعه، کارآفرینی از مقوله‌هایی به شمار می‌رود که از اهمیت بالایی برخوردار است، اما در شرایطی که در سال پایانی برنامه چهارم قرار داریم، موفقیت‌چندانی در این زمینه کسب نشده است که به نظر می‌رسد علت اصلی آن، تعللی است که در رابطه با معرفی و شناسایی مفهوم کارآفرینی در کشور رخ داده است. مؤلفه‌هایی از قبیل کمک به خودباوری، تجاری‌سازی ایده‌ها، بهره‌مندی از توان‌نخبگان و نوآوران، بهبود فضای کسب‌وکار و وجدان‌کاری - که همواره از عوامل مؤثر در شکوفایی اقتصادی و امر توسعه معرفی شده‌اند - در خود مفهومی از کارآفرینی را نهفته دارند. این امر نشان می‌دهد که ما هنوز از واژگان استاندارد پذیرفته شده در حوزه اقتصاد ناآگاهیم و به همین دلیل است که همواره از درستی مفاهیم، بی‌بهره مانده‌ایم.

جامعه‌ای که در صدد است تا با واگذاشتن تصدی‌گری دولتی، به سمت هدایت‌گری پیش‌برود و خصوصی‌سازی را تحقق بخشد، باید مقوله کارآفرینی را به عنوان محوری‌ترین عامل رشد و توسعه مدنظر داشته باشد. لازمه خصوصی‌سازی، توانمندسازی نیروها برای هدایت کسب‌وکار است و تنها می‌توان با حمایت از کارآفرین و بخش خصوصی به چنین امری دست یافت.

در مقایسه‌های بین‌المللی، شاخص کارآفرینی در ایران عدد ۹/۱۸ می‌باشد و بر اساس این آمار، رتبه ایران در این مقوله ۱۹ بوده که این رقم از متوسط جهانی آن کمی بالاتر می‌باشد. در طول ۴۲ ماه گذشته، از میان هر ۱۰۰ نفر در ایران، حدود ۹ نفر درگیر برنامه‌ریزی الگوی کسب‌وکار بوده‌اند. شاخص‌های کارآفرینی نوپا نیز در میان مردان و زنان ایرانی، به ترتیب ۷۶/۱۳ و ۵۱/۴ بوده است که شاخص‌های

زوج‌های کارآفرین مورد بهره‌برداری قرار دهد. جالب‌تر از آن نقش زنان کارآفرین در بحث کارآفرینی است که با توجه به آمارهای رسمی جهانی، تعداد مشاغلی که به واسطه مشارکت زنان تا پایان سال ۲۰۲۰ پدید خواهد آمد در حدود ۱۷۴ میلیون فعالیت کارآفرینی خواهد بود. متأسفانه در برخی حوزه‌ها از قبیل صنعت نفت، دولت اجازه ورود بخش خصوصی را - به ویژه در صنایع بالادستی - نمی‌دهد و آن را به انحصار خود آورده است، لذا در این قسمت‌ها کارآفرینی عقیم مانده است. ولی حوزه‌هایی از قبیل صنایع غذایی و صنایع نساجی که کمتر مورد دست‌اندازی دولت واقع شده‌اند با اقبال بیشتری مواجه بوده و با ظهور کارآفرینی در حوزه‌های مزبور، شاهد توسعه بیشتری در این صنایع می‌باشیم. به نظر می‌رسد علت مهجور ماندن کارآفرینی در کشور این است که بخش خصوصی در ایران همواره مورد کم‌لطفی قرار گرفته است؛ در حالی که با تأکید بر ارتباط مستقیم کارآفرینی و خصوصی‌سازی، می‌توان تأسیس یک شرکت را همواره به مثابه یک ارزش در نظر داشت و با استفاده از جوانان، نخبگان، نوآوران، دانشجویان و فارغ‌التحصیلان برای اجرای پروژه‌های کارآفرینی، اقتصادی توسعه یافته را از مرزهای شعار فراتر برده و به منصفه ظهور برسانیم.

قطار توسعه

خوشبختانه کشور با سیل انسان‌های خوش استعداد، صاحب ایده و توانمند مواجه است که هر یک می‌توانند نیروی محرکه مناسبی برای به حرکت واداشتن قطار توسعه - در تمام ابعادش - به شمار آیند. به علاوه تجاری کردن ایده‌ها که همواره در بیانات مقام معظم رهبری مورد تأکید بوده است، با آگاهی از همین سرمایه‌های نهفته قابل بهره‌برداری می‌باشد. البته مقوله‌ای با این درجه از اهمیت نمی‌تواند با فرایندهای ساده و پیش پا افتاده‌ای محقق شود. برآوردها نشان

۲۰۰ هزار طرح بنگاه‌های کوچک کارآفرین می‌باشد که تاکنون از سوی وزارت کار مورد تأیید قرار گرفته است.

دولت ابتدا باید با تعریف مسیرهای سبز، مطابق الگوهای حاکم بر دنیا در جهت حمایت از کارآفرینی، فضای کسب و کار مناسب را برای ترویج کارآفرینی فراهم کند. پس از این مرحله، می‌توان حمایت‌های دولت را به ترتیب زیر رتبه‌بندی کرد: (۱) حمایت مالی، (۲) حمایت بازاری (کمک در بازاریابی برای فروش و عرضه کالا و خدمات)، (۳) حمایت تأمین انرژی اعم از آب، برق، گاز و همچنین سایر تسهیلات مورد نیاز کارآفرین، (۴) اصلاح و وضع قوانین در جهت تسهیل اجرای طرح، (۵) حمایت تکنولوژیک در جهت آگاهی بخشی و اطلاع‌رسانی دقیق و به روز و (۶) حمایت فنی. متأسفانه در کشور، خدمات درست ارائه نمی‌شوند و از جایگاه مناسبی برخوردار نیستیم، چراکه روابط بر ضوابط حاکم است. اما نباید این حقیقت را از نظر دور داشت که تحقق اهداف اقتصادی اسناد کشور منوط به توجه بیشتر مسوولان به مقوله کارآفرینی است. ■

می‌دهند با راه‌اندازی سالانه ۱۰۰ هزار فرصت کسب و کار ۱۰ نفره، می‌توان ۷ درصد از رشد مورد نظر اقتصاد را تأمین کرد که این امر می‌تواند مشکل بیکاری را به طرز قابل توجهی تحت تأثیر قرار داده و از شدت آن بکاهد. جالب‌تر آن که این موارد کارآفرینی، حتی می‌تواند کسب و کار خانگی را هم شامل شود. شاید اگر در قوانین کار بازنگری شود و کسب و کارهای خانگی در ایران - همچون بسیاری از کشورهای پیشرفته دنیا - به رسمیت شناخته شوند، بخش عمده‌ای از مشکل بیکاری کشور برطرف خواهد شد. از سوی دیگر، حمایت از بنگاه‌های کوچک در بسیاری از کشورهای بزرگ جهان در قالب برخی سازمان‌های حامی، امری مرسوم است. در این رابطه می‌توان به مراکز حمایت از بنگاه‌های کوچک تجاری آمریکا اشاره کرد. گزارش‌ها حکایت از نقش فعال شرکت‌های کوچک تجاری و تولیدی با کارکنان زیر ۵ نفر در رشد اقتصاد این کشور دارند، به طوری که ۴۰ درصد از تمام کارخانه‌های آمریکا و ۷۵ درصد از مشاغل جدید ایجاد شده در آن کشور وابسته به مشاغل کوچک می‌باشند. این در حالی است که رقم مذکور در کشور ما در حدود

سیاست فرهنگی و اقتصادی ایران در آمریکای لاتین

همسایه‌های دور!



ظرفیت‌های موجود در کشورهای آمریکای لاتین، می‌تواند شرایط تثبیت موقعیت ایران را در آن منطقه فراهم آورد؛ منطقه‌ای که هراس آمریکا را از ارتباط با ایران بر می‌انگیزد.

منطقه آمریکای لاتین به طور سنتی به مناطقی از قاره آمریکا گفته می‌شود که زبان اسپانیولی و پرتغالی در آن رایج است. از منظر سیاسی و اجتماعی، منطقه آمریکای لاتین یا آمریکای جنوبی، کشورهای مرکزی و جنوبی آمریکا را شامل می‌شود. آمریکای لاتین در واقع شامل ۲۰ کشور مستقل و چندین واحد سیاسی وابسته بوده که برزیل، بزرگترین کشور این قاره از نظر مساحت و جمعیت می‌باشد. از نظر سیاسی، منطقه آمریکای لاتین خواستگاه نهضت‌های آزادی‌بخش و ضدامپریالیستی منطقه بوده است. مکزیک، کوبا و بولیوی از جمله کشورهایی بودند که در نهضت‌های آزادی‌بخش فعال بودند. در حال حاضر با توجه به شرایط بین‌المللی آمریکای لاتین، بعد از چند دهه کشمکش‌ها و قدرت‌طلبی‌های احزاب در داخل، این کشورها به ثبات نسبی رسیده‌اند. در سال‌های اخیر، آمریکا به عنوان بزرگترین شریک اقتصادی و تجاری کشورهای آمریکای لاتین، نگاه خود را به این کشورها تشدید نموده است. مشکلات اقتصادی جهانی و وجود ذخایر عظیم کشاورزی، نفت، گاز و مواد معدنی در این منطقه، موجب شده تا کشورهایی همچون روسیه، ژاپن، چین، هند و ایران نسبت به این منطقه سیاست‌های جدیدی اتخاذ نمایند.

یک قدرت منطقه‌ای در راستای توسعه مناسبات بین‌المللی از لحاظ اقتصادی، فرهنگی و سیاسی روابط خود را با کشورهای آمریکای لاتین توسعه داده و در واقع می‌توان گفت تعاملات بین ایران و کشورهای آمریکای لاتین در راستای اهداف مشترک دو منطقه خاورمیانه و آمریکای لاتین می‌باشد. ولی گسترش حضور ایران در آمریکای لاتین موجب حساسیت و نگرانی مقامات آمریکایی گردیده است. آمریکاییان که در گذشته از آن منطقه به عنوان حوزه امنیت ملی و منافع ملی خود یاد می‌کردند، در حال حاضر با حضور قدرت‌هایی همچون ایران در آن منطقه احساس ناامنی می‌کنند و به همین جهت سعی دارند با توسل به طرق مختلف، نفوذ ایران را در آمریکای لاتین کم‌رنگ و یا تضعیف نمایند. ابراز احساس نگرانی کلینتون، وزیر امور خارجه آمریکا، از اعلام سفر رییس‌جمهور کشورمان به آمریکای لاتین و برزیل و اظهارنظرهای ضدایرانی وی، بیانگر عمق نگرانی آمریکاییان می‌باشد. به هر حال، سیاست ایران در آمریکای لاتین بر محور توسعه سه جانبه با تمام کشورهای منطقه بوده است.

اما نکته‌ای که باید به آن توجه نمود این است که تغییرات سیاسی در آمریکای لاتین، همچون باران بهاری می‌باشد. به همین جهت در صورتی که ما نسبت به حضور خود در آمریکای لاتین استراتژی لازم را تبیین نکنیم، در بلندمدت به نتایج مورد نظر نایل نخواهیم شد و از سوی دیگر به علت تنوع گرایش‌های سیاسی و فرهنگی مردم کشورهای آمریکای لاتین، ما نیازمند اتخاذ سیاست خاص با شرایط آن کشور برای هر یک از کشورهای منطقه هستیم. به تعبیر دیگر، اگرچه ایران در ونزوئلا توانسته است از کانال سیاسی به توسعه اقتصادی دست یابد، ولی باید این نکته را بداند که با توجه به وضعیت سیاسی و اقتصادی کشوری همچون برزیل، باید از کانال اقتصادی به نتایج سیاسی دست یافت و باید گفت آمریکای لاتین در حال حاضر به قطب اقتصادی و سیاسی تأثیرگذاری در عرصه بین‌الملل تبدیل شده است. ■

آمریکاییان که در دهه‌های گذشته نفوذ خود را در این منطقه تثبیت نموده بودند در حال حاضر با بحران هویت و حضور در این منطقه مواجه شده‌اند که این امر از دو علت ناشی می‌گردد: اولاً تمرکز سیاست خارجی آمریکا به خاورمیانه و کشورهای آسیای میانه و قفقاز، موجب دوری این کشور از منطقه آمریکای لاتین گردیده است. علت دیگر، ظهور قدرت‌ها و رقابت اقتصادی و سیاسی جدید در عرصه بین‌المللی و اقتصادی همچون روسیه، چین و هند در حوزه آمریکای لاتین می‌باشد. در حال حاضر، به علت نیروی کار ارزان و بالا رفتن توان صنعتی برخی کشورهای آمریکای لاتین همچون برزیل - که در واقع طبق آمار سازمان‌های جهانی، هشتمین اقتصاد جهان را دارد - باعث گردیده است آمریکاییان همچون گذشته نتوانند سیاست‌های خود را در این منطقه پیش ببرند. از سوی دیگر، تحریک احساسات ضد آمریکایی و به قدرت رسیدن رؤسای جمهور ضد آمریکایی همچون مورالس و چاوز، موجب تضعیف موقعیت آمریکا در منطقه گردیده است.

جمهوری اسلامی ایران در راستای سیاست‌های خارجی خود و به منظور ایجاد ارتباط با کشورهای مستقل، توسعه روابط را با آمریکای لاتین در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، علمی و فنی به عنوان یک اولویت در سیاست خارجی قرار داده